

جایگاه علمی و فقهی امام سجّاد(ع) از دیدگاه اهل سنت

مرضیه برزن^۱
کریم نجفی برزگر^۲
اصغر قائدان^۳
سید حسن قریشی^۴

چکیده

هدف: این پژوهش به بررسی مرجعیت علمی امام سجّاد(ع) در میان اهل سنت پرداخته است تا علاوه بر اثبات شایستگی علمی امام و حقانیت شیعه در پیروی از ائمه(ع)، نقطه مشترک دیگری را بین دو مذهب بزرگ اسلامی(شیعه و سنی) برای تحکیم وحدت معرفی کند. **روش:** این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی به واکاوی جایگاه علمی و فقهی امام سجّاد(ع) از دیدگاه اهل سنت با استفاده از داده‌های تاریخی و حدیثی پرداخته است. **یافته‌ها:** اگر چه اهل سنت در سالهای آغازین امامت امام سجّاد(ع) چندان با این جایگاه آشنا نبودند، اما مقام علمی و فقهی ایشان در سالهای بعد، بارها ستوده شد و او را فردی ثقه، فاضل، فقیه و امین دانسته‌اند؛ تا جایی که ایشان به عنوان مرجع دینی و پیشوای شریعت، محل رجوع اهل سنت نیز بودند. **نتیجه‌گیری:** مرجعیت امام در وادی عمل در مصادیقی چون: اعتبار سندی روایات حضرت، تلمذ علمای اهل سنت در محضر امام و نقل روایات امام از سوی آنان، شرکت در مجالس علمی، مشاوره و مذاکره علمی علما با امام و تأثیرپذیری از مواعظ ایشان و... توسط اهل سنت به اثبات رسیده است.

واژگان کلیدی: امام سجّاد(ع)، اهل تسنن، تقیه، خلفای اموی، مرجعیت علمی و فقهی.

◆ دریافت مقاله: 98/02/24؛ تصویب نهایی: 98/06/22

1. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام(نویسنده مسئول)، گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، ص.پ. 19395-3697 / آدرس: جزیره قشم، کیلومتر 5 اتوبان قشم - درگهان، نرسیده به میدان علم و صنعت / نمابر: 07635344089 / Email: marziye.barzan@gmail.com

2. دکتری تخصصی تاریخ اسلام دانشگاه دهلی، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور تهران مرکزی.
3. دکتری تخصصی تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس تهران، دانشیار گروه فرهنگ و تمدن اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه تهران.
4. دکتری تخصصی تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان، استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور قم.

الف) مقدمه

امام سجّاد(ع) بعد از حادثه عاشورا به تعلیم و تربیت پیروان مشغول شدند. با توجه به خفقان موجود در جامعه آن عصر و حاکمیت امرای سختگیر، ایفای رهبری دینی و سیاسی مردم، امری دشوار بود. اما از آنجا که امام از اهل بیت نبوت و معدن علم و وحی بودند، با سیاستی مدبرانه و به کار بردن مهم‌ترین شیوه‌ها از جمله تقیه و دعا، توانستند به بخشی از عقاید و تعالیم خود در عرصه دینی، علمی، فرهنگی و سیاسی، جامعه عمل بپوشانند. از لحاظ سیاسی و اجتماعی نیز ایشان، هم با خطبه‌هایشان در بیان مظلومیت اهل بیت(ع) و نشان دادن تعارضهای رفتاری هیئت حاکمه با آموزه‌های اسلامی و هم با دعاهای خود که برخی از آنها در متون اهل سنت دیده می‌شود، توانستند در گسترش معارف اهل بیت(ع) موفق باشند. این اقدامات که متکی بر جایگاه علمی و فقهی ایشان بود، موجب شد در بین علما و فقهای اهل سنت نیز مورد توجه قرار گیرند.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در پی واکاوی جایگاه علمی و فقهی امام سجّاد(ع) از دیدگاه اهل سنت است و اینکه، اهل سنت تا چه میزان اهل بیت رسول خدا(ص) را به عنوان پیشوای دینی، مورد توجه و محل رجوع قرار می‌دهند.

نظرات گوناگون اهل سنت پیرامون جایگاه علمی و فقهی امام سجّاد(ع)، مؤید این است که ایشان از شخصیت‌های بی‌نظیر و برجسته فقهی، علمی و اخلاقی در دوران خویش بوده و با اوصافی مانند فاضل، فقیه، ثقه و... ستوده شده‌اند(ذبی، 1998، ج 4: 393؛ ابن عساکر، 1371: 159؛ سلیمان البنداری، 1413، ج 3: 64) و در منابع تاریخی و محدثان اهل سنت، احادیث ایشان در موضوعات مختلف نقل شده است(بیهقی، بی‌تا؛ امینی، 1387: 174). پیروان مذهب عامه، هم در حیطه نظر، جایگاه علمی و مرجعیتی امام را ستوده‌اند و هم در حیطه عمل، از ایشان بهره علمی برده‌اند. البته شواهد تاریخی نشان می‌دهد امام در سالهای آغازین امامت هنوز چنین جایگاهی نداشتند و تحت تأثیر عواملی مثل جوانی، عدم شهرت، تقیه شدید، رکود نسبی علمی و عقلانیت دینی جامعه و حضور محمد بن حنفیه، در مهاجرت بودند(صحفه سجّاده، دعای 48). از این رو، با تمرکز بر تربیت بردگان و روشهای غیر مستقیم در تبلیغ دین(شیخ مفید، 1413، ج 2: 153؛ اربلی، 1421، ج 2: 633) به رسالت خود عمل می‌کردند.

هدف این پژوهش، شناخت دقیق‌تر شخصیت امام سجّاد(ع) از منظر مرجعیت علمی ایشان در میان اهل سنت است؛ زیرا وقوف بر مرجعیت علمی امام سجّاد(ع) بر اساس منابع اهل سنت، موجب روشن شدن برخی از زوایای پنهان جایگاه علمی امام و برجسته شدن وجوه اشتراک میان مسلمانان و ایجاد همگرایی بیشتر است. وحدت جهان اسلام؛ یعنی شیعیان و اهل سنت، در سایه تبیین وجوه مشترک این دو مذهب، عملی می‌شود. هدف دیگر، تبیین جایگاه و مقام علمی امام برای اثبات حقانیت شیعه در پیروی از ائمه(ع) است. جایگاهی که بسیاری از علمای هم‌عصر و متأخر به آن اعتراف کرده‌اند. تأکید بر مرجعیت علمی و

131 **جایگاه علمی و فقهی امام سجّاد(ع) از دیدگاه اهل سنت**

جایگاه رفیع اهل بیت پیامبر(ص) به عنوان وارثان علم رسول خدا می‌تواند در میان مسلمانان به عنوان یکی از محورهای اساسی تقریب مذاهب اسلامی و اتحاد مسلمین، نقش بسزایی ایفا کند.

اثبات و سنجش میزان مرجعیت علمی اهل بیت(ع) در میان اهل سنت با ترازوی شواهد و اسناد تاریخی، از مسائل مهم در عرصه تحقیق تاریخ ائمه(ع) است. مجموعه پژوهشهای انجام شده درباره اهل بیت، حاوی نکاتی پراکنده در این زمینه است و آن‌طور که باید و شاید، به آن پرداخته نشده است.

مهم‌ترین کتب تاریخی متقدم که در این پژوهش به طور عام حاوی شواهد و گزارشهایی از عصر امام سجّاد(ع) می‌باشند، عبارتند از: «الطبقات الکبری» (کاتب واقدی، 1375) که حاوی ذکر و معرفی اصحاب و تابعان در طبقات مختلف تا قرن سوم است و گزیده‌ای از روایات تاریخی درباره امام سجّاد(ع) را از نگاه یک مورخ سنی نقل می‌کند. «تاریخ مدینه دمشق» (ابن عساکر، 1415)، از منابع غنی محلی در قرن ششم هجری است و یکی از کامل‌ترین گزارشهای منابع اولیه اهل سنت نسبت به امام سجّاد(ع) را در بر دارد؛ به طوری که گاه یک واقعه را با روایات مختلف نقل می‌کند. در «تاریخ الاسلام» اثر شمس‌الدین ذهبی (م. 748 ق) که به معرفی صحابه، تابعان، راویان و بزرگان اسلام تا عصر حیات نویسنده پرداخته و در کتاب دیگر وی «سیر اعلام النبلاء» (ذمی، 1417)، مطالبی درباره امام سجّاد(ع) بیان شده است. مجلدات 15 و 16 «موسوعه سیره اهل بیت(ع)» (شریف قرشی، 1340) مربوط به امام زین‌العابدین(ع) است و به شرح احوال و حیات علمی و دینی، شاگردان و راویان و نیز روایات ایشان پرداخته است و چندان اشاره‌ای به جایگاه امام در نزد اهل سنت نکرده است. فاروق صفی‌زاده (1387) در «امامان شیعه به روایت اهل سنت»، یک بخش از کتاب را به صورت مختصر به ابعاد مختلف زندگانی امام سجّاد(ع) اختصاص داده و جایگاه علمی و دینی ایشان را با چند سخن از بزرگان اهل سنت بیان کرده است. کتاب «مسند امام سجّاد(ع)» (عطاردی، بی‌تا)، حاوی تاریخ و مجموعه روایات نقل شده از حضرت با تفکیک موضوعی است و به معرفی راویان امام، همراه با تعداد روایاتی که نقل کرده‌اند، می‌پردازد. البته در خلال این پژوهش، روایاتی از حضرت به دست آمد که در کتاب مذکور ثبت نشده است.

مقالاتی که نمایانگر جایگاه امام سجّاد(ع) در میان اهل سنت‌اند، عبارتند از: مقاله «امام سجّاد(ع) در منابع اهل سنت» (طبی، 1382) که به اعترافات چند از علمای اهل سنت در فضایل ایشان پرداخته است و مقاله «روایات اهل بیت(ع) در منابع اهل سنت» (امینی، 1387) که تنها به گزارش کمی از احادیث امامان از جمله امام سجّاد(ع) در منابع حدیثی اهل سنت پرداخته و در تشخیص میزان مقام علمی هر امام تا حد زیادی کاربرد دارد.

در نهایت می‌توان گفت مقالات نیز مانند کتب، تحقیق جامعی در جایگاه علمی و فقهی امام میان اهل سنت ارائه نمی‌کنند. لذا در این پژوهش، شخصیت امام سجّاد(ع) با تأکید بر جایگاه علمی و فقهی ایشان از

دیدگاه و متون اهل تسنن و چگونگی اوج‌گیری مرجعیت علمی امام(ع) در دوره امامت ایشان مطرح می‌شود و تصویر روشن و دقیقی از این جایگاه ارائه خواهد داد.

ب) تعریف مفاهیم

1. اهل سنت

اصطلاح اهل سنت از دو واژه عربی اهل و سنت ترکیب یافته است. اهل در لغت به معنای گروهی است که در امری از امور با هم شریک باشند (راغب اصفهانی، 1412، ماده اهل) و سنت در لغت به راه و روش نیکو و پسندیده گفته می‌شود (ابن منظور، 1414، ج 6: 384). اصطلاح اهل سنت در قرون اولیه اسلامی به مفهوم امروزی کاربرد نداشته است. در این اعصار، اکثر مسلمانان تابع مکتب خلفا را جماعت یا عامه می‌خواندند. این اصطلاح، ابتدا در تعریف مکتب کلامی اشاعره به کار رفت که در تمام موارد، خود را پیرو سنت می‌دانستند و حسن و قبح عقلی را قبول نداشتند (سجادی، 1373، ج 1: 348؛ خاتمی، 1378: 71). اما امروزه اهل سنت، نام عمومی فرقی است که پیروان «مکتب خلفا» شناخته می‌شوند و پس از رحلت رسول خدا(ص)، خلافت را به شورای مسلمانان منوط دانستند و از این نظر، اعتقادی به امام منصوص از طرف پیامبر(ص) ندارند (مشکور، 1372: 238؛ سجادی، 1373، ج 1: 348). این تعریف، همه فرقه‌های کلامی و فقهی غیر شیعی (اشاعره، معتزله، ماتریدیه و...، مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی) را دربر می‌گیرد.

2. مرجعیت علمی

«مرجعیت» از اصطلاحاتی است که استعمال آن حداقل در عصر حیات ائمه(ع) شایع نبوده است. ریشه این کلمه «رجوع» و مصدر آن رجوع، به معنای بازگشت است (راغب اصفهانی، 1412: 342). با این وصف، مرجع در لغت به معنای جای بازگشتن، جای برگشت و محل رجوع است (دمخدا، 1377، ج 13: 21621). بنابر این، مرجعیت به معنی مورد رجوع و محل مراجعه دیگران بودن است (انوری، 1393، ج 7: 6859). در اینجا مقصود از علم در مرجعیت علمی، علوم اسلامی، اعم از تفسیر، فقه، حدیث، کلام، اخلاق، تاریخ و... است. در حقیقت؛ مرجعیت علمی یعنی مورد رجوع قرار گرفتن افرادی به عنوان اُعلم و صاحب نظر در مسائلی همچون سنت نبوی، تفسیر قرآن، قضاوت، فرایض و...؛ به گونه‌ای که عموم مردم و دانشمندان به این برتری‌های علمی اعتراف داشته باشند.

آنچه در این پژوهش مدنظر است، جایگاه علمی و فقهی امام سجّاد(ع) و وظیفه‌ای است که امت، در رجوع به ایشان برای شناخت دین و قرآن و محور قرار دادن اهل بیت(ع) در زندگی، تبعیت و الگوپذیری از آنان در همه امور خویش دارند. پس منظور از مرجعیت علمی، نقطه مشترکی است که مسلمانان بر آن

133 **◆ جایگاه علمی و فقهی امام سجّاد(ع) از دیدگاه اهل سنت**

اتفاق نظر دارند و مسائل اختلافی میان مسلمانان، به خصوص در مسائل اعتقادی و شرعی، با رجوع به آن حل و فصل شود؛ مرجعیتی که مفسر قرآن و سنت نبوی است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اگر در چیزی اختلاف کردید، آن را به خدا و پیامبرش ارجاع دهید» (نساء: 59). منظور از رجوع به خدا، مراجعه به کتاب خداست و از آنجا که کتاب خدا در بعضی از آیات نیاز به تفسیر دارد، در کنار آن پیامبر قرار داده شده است: «و ما نازل نکرديم بر تو اين کتاب را جز اينکه بيان کنی بر ايشان آنچه اختلاف دارند در آن» (نحل: 64).

بر اساس این آیات، پیامبر(ص) در عصر خود، مرجعیت علمی مسلمانان را بر عهده داشتند و بعد از خود، اهل بیت را بر اساس روایتی که مورد وثوق و استناد اهل سنت در کتب معتبر حدیثی آنان است، وارث علم خود و مرجع قرار دادند و فرمودند: «من دو شیء گرانبها در میان شما می‌گذارم که تا وقتی به آن تمسک جوید، بعد از من گمراه نشوید. یکی بزرگ‌تر از دیگری، کتاب خدا، ریسمان امتداد یافته از آسمان به زمین و عترتم؛ یعنی اهل بیت» (مسلم نیشابوری، بی‌تا، ج 4: 1873؛ ابن حنبل، بی‌تا، ج 5: 185؛ ترمذی، 1403، ج 5: 662). شیخ محمد ابوزهره، از علمای اهل سنت، این حدیث را دلیل و سند امامت اهل بیت و مرجعیت علمی و فقهی آنان می‌داند. (ابوزهره، 1425: 199)

شیخ محمود شلتوت در تفسیر پیرامون اجماع سنت و عترت نوشته است: «طرق حدیث ثقلین متعدد است و در بعضی از آنها آمده: کتاب خدا و عترتم. بدون شک سنت همان چیزی است که پیامبر و عترت طاهرینش بر آن بوده‌اند». (شلتوت، 1405: 129)

احمد بن حنبل از پیشوایان اهل سنت از قول پیامبر(ص) می‌گوید: «به یقین، من در میان شما دو خلیفه به جای گذاشتم: کتاب خدا (قرآن) و اهل بیت و آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض (کوثر) بر من وارد شوند». (ابن حنبل، بی‌تا، ج 35: 512)

محمد عبده یمانی، عالم اهل سنت نیز می‌نویسد: حدیث صحیح: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» که در صحاح اهل سنت نیز آمده (مسلم نیشابوری، بی‌تا، ج 4: 1873؛ ابن حنبل، بی‌تا، ج 4: 114، 366-367؛ حاکم نیشابوری، 1420، ج 3: 109؛ طبرانی، 1994، ج 5: 185)، تأکید بر آن دارد که اهل بیت دارای مرجعیت علمی مسلمانان اند و الگو و اسوه زنده‌ای هستند در علم، استقامت و در تمسک به اسلام نابی که جدشان حضرت محمد(ص) آورده است. (یمانی، 1412: 161)

یکی از پژوهشگران با استناد به 185 منبع از منابع اهل سنت نشان داده است مراد از «عترتی»، همان اهل بیت پیامبر(ص) است. (تسخیری، 1422: 80)

ج) مرجعیت علمی امام سجّاد(ع) در سالهای آغازین امامت

پس از واقعه عاشورا و شهادت امام حسین(ع)، امام سجّاد(ع) در یکی از دشوارترین دوران، امامت شیعیان را بر عهده گرفتند (61-95 ق). سابقه امویان نشان می‌داد که در کشتن اهل بیت(ع) منعی نمی‌دیدند و برای یزید، از میان برداشتن امام سجّاد(ع) امر بعیدی به نظر نمی‌رسید. گرچه یزید با تغییر ظاهری رویکرد خود و قیافه حقیقی به جانبی که با توجه به جوّ ضد اموی شام به خود گرفت، این کار را در دوره اسارت حضرت و در شام نمی‌توانست انجام دهد؛ اما تهدید حاکم اموی در مدینه همچنان برای امام به قوت خود باقی بود و امام تنها یک راه برای دفع این خطر داشت؛ اینکه ذهن امویان را از هرگونه سوءظن احتمالی نسبت به کار سیاسی خود خالی کند. درست است که فعالیتهای مذهبی، اجتماعی و علمی امام نمی‌توانست مصداق مبارزه مستقیم سیاسی علیه دستگاه حاکم باشد، اما امویان می‌دانستند این فعالیتهای می‌تواند مقدمه‌ای برای جذب مسلمانان، به منظور پس گرفتن حاکمیت حقه اهل بیت تلقی شود. علاوه بر آن، انبوه دشواری‌ها و نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی که در فتنه عبدالله بن زبیر و سختگیری‌های او بر بنی‌هاشم و نیز هجوم مسلم بن عقبه به مدینه رخ داد، سبب شد تا امام(ع) از تربیت و تعلیم مستقیم شاگردان باز بماند. اما امام در همان شرایط بحرانی شاگردانی را پرورش داد. (نرابی، 1374: 200)

امام سجّاد(ع) از نظر علمی در سالهای اولیه امامت، در میان اهل سنت چندان شناخته شده نبودند. دلایل آن: جوانی، اتخاذ روش تقیه و وجود محمدبن حنفیه بود. امامت امام(ع) در شرایطی آغاز شد که خیلی‌ها با ایشان کاملاً آشنا نبودند و حتی برخی شیعیان به امامت محمد بن حنفیه به عنوان بزرگ اهل بیت از نظر سن و کسوت روی آورده بودند. (شریف قرشی، 1340، ج 15: 125)

یکی از راهبردهایی که امام سجّاد(ع) بر اساس میانی دینی آن را به عرصه عمل و اجرا درآورد و پس از ایشان راهبردی اصولی برای سایر امامان شیعه شد، اصل تقیه به منظور بسترسازی فعالیتهای علمی و فرهنگی بود. بدیهی است در شرایطی که بسیاری از صحابه پیامبر(ص) از دنیا رفته بودند و قرائت اموی جایگزین قرائت نبوی از اسلام شده بود و ارزشهای اسلامی رو به فراموشی و نابودی می‌رفت، امام سجّاد(ع) برای احیای اسلام ناب محمدی نیاز به بسترسازی برای چنین حرکت پر اهمیتی داشت که جز در قالب تقیه میسر نمی‌شد و جز این سیاست، ممکن بود حتی خطر جانی نیز برای ایشان در بر داشته باشد. مسعودی می‌نویسد: امام سجّاد(ع) امامت را در زمانی دشوار و با تقیه شدید عهده‌دار شد (مسعودی، 1409، ج 2: 168). این سیاست نه تنها توانست حساسیتهای طبقه حاکم را کاهش دهد، بلکه اعتماد و همگرایی جامعه اهل سنت غالب را نیز فراهم ساخت.

در زمان امام سجّاد(ع)، امویان برای پیشبرد اهداف خود، آموزه‌های انحرافی همچون جبر و ارجا را رواج می‌دادند و در مقابل مخالفان خود می‌ایستادند. لذا امام در تبیین همه آموزه‌های اسلامی آزاد نبودند و

135 **جایگاه علمی و فقهی امام سجّاد(ع) از دیدگاه اهل سنت**

در بسیاری از موارد مجبور بودند یا به طور موقت سکوت کنند یا از روی تقیه رأی موافق اهل سنت و حاکمیت زمان را رواج دهند که به طبع، راه اول مفسد کمتری داشت. البته امام سجّاد(ع) در این دوره حتی در سخت‌ترین شرایط نیز دست از تبلیغ دین بر نداشتند؛ گرچه تبلیغات امام به روشهای غیر علنی محدود شده بود. از حسین بن عبدالوهاب چنین نقل شده است: «مجموعه‌ای از عوامل خوفناک، امام را احاطه کرده بود که از طرف ایشان امکان اظهار علنی امامت و بیان اصول و فروع حق وجود نداشت، مگر برای عده کمی از خواص و شیعیانشان» (شریف قرشی، 1340، ج 5: 121). همچنین ابن عساکر از مسعودی در کتاب خود، امامت امام چهارم را این‌گونه گزارش کرده است: مؤمنینی که تابع آن حضرت بودند، امر امامت را مخفی می‌داشتند. (ابن عساکر، 1415، ج 41: 416)

از شواهد و آثار امامت مخفیانه و پنهان امام سجّاد(ع) این است که امام در ابتدای امر، پیروان معدودی داشته‌اند؛ امری که در برخی روایات به آن تصریح شده است، مثل روایت کشی از فضل بن شاذان که می‌گوید: «و لم یکن فی زمن علی بن الحسین(ع) فی اول امره الا خمسه...» در آغاز امامت علی بن حسین(ع) جز پنج نفر پیرو او نبودند» (طبری، 1362، ج 6: 491). وقتی امام در بین شیعیان این‌گونه مهجور باشد، طبیعی است در میان اهل سنت نیز ناشناخته باقی بماند. (کاتب واقدی، 1375، ج 5: 163)

پس امام سجّاد(ع) و مسلمانان در محدودیتهایی از سوی حاکمان به سر می‌برده‌اند که این محدودیتهای، بروز و ظهور مرجعیت علمی و بهره‌گیری از دانش آن حضرت را دچار مشکل می‌کرده است. (رک: ابن عساکر، 1415، ج 41: 373-272؛ ابن جوزی، بی‌تا، ج 2: 398؛ کاتب واقدی، 1375، ج 5: 220-219، مزنی، 1413، ج 20: 400-399)

میزان روایات نقل شده از طرف اهل سنت از امام سجّاد(ع) در مقایسه با فرزندشان امام باقر(ع)، این نکته را تأیید می‌کند. به گزارش یکی از محققان، امام سجّاد(ع) با 34 سال امامت و اعتراف اهل سنت به جایگاه علمی ایشان، 185 روایت در منابع اصلی حدیثی اهل سنت دارند (عطاردی، بی‌تا، ج 2: 45) - البته تحقیق این کتاب در همه منابع نبوده و برای مثال، روایت زهری از دعای امام را (ابن کثیر، 1417، ج 9: 119) ثبت نکرده است - در حالی که این منابع از امام باقر(ع) با 23 سال امامت و همان جایگاه، 334 روایت نقل کرده‌اند. (امینی، 1387: 167)

امام سجّاد(ع) در بسیاری از موارد با تمسک به روش تبلیغ غیر مستقیم، به هدایت جامعه می‌پرداختند که نمونه بارز شیوه اول، در بیان مفاهیم دینی و سیاسی در قالب دعا و نمود شیوه دوم، در گریه و ذکر مصائب سیدالشهدا و شیوه سوم، در سیره عبادی و اخلاقی امام متجلی بود.

امام سجّاد(ع) به دلیل مواجهه با شرایط اختناق اموی، یکی از بهترین راه‌های بیدار ساختن مردم از غفلت، احیا و بازسازی دین و تبیین و تعلیم معارف الهی و تفکر شیعی را مناجات تشخیص دادند. حکومت نیز پس از واقعه عاشورا، در دعا و مناجات بر امام سخت نمی‌گرفت. دعا برای امام، ابزاری برای انتقال

مفاهیم دینی به مخاطبان بود؛ تا جایی که امام در مقابل قائلین به تشبیه برای خداوند در مسجد النبی، به جای اشاره و استدلال مستقیم برای آنان، عقیده خود را در قالب دعا مطرح کردند و طوری آن را بیان فرمودند که اطرافیان آن را بشنوند و گزارش کنند (ربلی، 1421، ج 2: 633؛ شیخ مفید، بی تا، ج 2: 153). سراسر دعاهای صحیفه سجّادیه لبریز از مسائل مختلف اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی است که به عنوان شیوه تبلیغی غیر مستقیم برای هدایت جامعه اسلامی مورد استفاده قرار گرفت. (عاملی، 1409، ج 1: 77)

باید گفت آشنایی جامعه اسلامی با امام، در پرتو الگوپذیری از سیره عبادی و اخلاقی ایشان آغاز شد و با شناخت چهره معنوی حضرت، جامعه علمی مدینه به تدریج به کمال علمی امام نیز پی برد. از این رو، توصیف امام به «فضلیت» نمود بیشتری یافت. جامعه مدینه امام را با شهرت عبادی اش می شناخت. ابن حبان بستنی، رجالی و سننگار مشهور اهل سنت می نویسد: «در مدینه می گفتند: علی بن حسین (ع) سرور عبادت گندگان در آن زمان است» (سنی، 1413، ج 5: 160). این امر نشان می دهد که حضرت از دریچه فطرت خداجوی جامعه اسلامی که نقطه ای مشترک بین همه مذاهب، ادیان و حتی انسانهاست، خود را معرفی کردند و در ادامه، اقناع ذهنی مخاطبان در رابطه با کمال علمی شان انجام گرفته است.

مرجعیت علمی امام سجّاد (ع) با برداشته شدن موانع آن و تحقق عواملی اوج گرفت. امام در اواسط دوره بنی امیه برای احراز این عنوان، شرایط سنی مناسب تری پیدا کرده بودند. گرچه علم ائمه (ع) کوچک و بزرگ نمی شناسد، اما جایگاه مرجعیت، رابطه ای دو طرفه است که در هر جامعه ای به راحتی برای افراد جوان محقق نمی شود. بازگشت فضای امنیت و آرامش نسبی به مدینه، از عوامل دیگر اوج گیری مرجعیت علمی امام بود. این مهم با تثبیت قدرت امویان، فروکش کردن مخالفتها و قیامهای داخلی و جلب توجه حاکمان به مرزها و دشمنان خارجی و رویکرد آنان به کشورگشایی و فتوحات محقق شد.

شناخت و تمجید علمی امام از سوی عالمان سنی، بازگشت فضای آرامش به حجاز و مصلحت اندیشی امام در عدم تعارض مستقیم با باورهای اهل سنت، از عوامل اوج گیری مرجعیت علمی ایشان بود. در چنین شرایطی، امام (ع) تبلیغ عمومی و مستقیم دین را آغاز کردند؛ امری که مقدمه ساز مطرح شدن خاندان پیامبر (ص) و ارتقای مرجعیت علمی ایشان در میان عموم جامعه اسلامی در عهد امامین صادقین (ع) شد.

د) جایگاه علمی و فقهی امام سجّاد (ع) از منظر اهل سنت

1. جایگاه علمی و روایی

امام سجّاد (ع) با فعالیتهای علمی خود، توانستند معارف اسلام و اهل بیت را در جامعه انتشار دهند و مورد توجه علما و محدثان اهل سنت قرار گیرند. به گفته آنان، امام سجّاد (ع) از رجال حدیثی تابعین و از طبقه

137 **جایگاه علمی و فقهی امام سجّاد(ع) از دیدگاه اهل سنت** ❖

دوم(خلیفه بن خیاط، 1414:417؛ ذهی، 1998:14؛ کاتب واقدی، 1375، ج 5:327) تابعین می‌باشند و از علما و فقهای زمان خویش بودند و همه در فقیه و عالم بودن ایشان اتفاق نظر دارند. گرایش امام به علم و فقه تا جایی بود که اهل سنت از ایشان به عنوان یکی از بهترین جوانان تابعین از نظر علم و تقوا یاد می‌کنند و در بین مردم از ارزش و مقامی والا برخوردار بودند(ممانی، 1412:161). به گفته اهل سنت، امام سجّاد(ع) بسیار به قرآن و سنت نبوی متمسک می‌شدند. همچنین ایشان را راوی روایاتی از پیامبر(ص) و امام علی(ع) به صورت مرسل از حسن بن علی، حسین بن علی(پدرش)، عبدالله بن عباس، صفیه، عایشه، ام سلمه و ابورافع می‌دانند(بزی، 1413، ج 20:383؛ ذهی، 1417، ج 4:387؛ سیوطی، بی‌تا:87؛ ابن حجر، 1328، ج 7:299) و افرادی چون: محمد بن علی(امام باقر علیه‌السلام)، زید بن علی، ابوحمزه ثمالی، یحیی بن سعید، ابن شهاب زهری، زید بن اسلم، ابوالزناد و... را راوی روایات او دانسته‌اند.(ذهی، 1417، ج 4:386؛ مزی، 1413، ج 13:237)

در واقع؛ این افراد از طلایه‌داران دانش نزد اهل سنت و شیعه‌اند که خوشه‌چین علم و معرفت آن حضرت بودند و ایشان با حرکت فرهنگی خود، جامعه اسلامی آن عصر را در مسیر اسلام اصیل قرار داد. ابن ابی‌شیبہ نقل کرده که صحیح‌ترین سندهای زهری از علی بن حسین است(ابن عساکر، 1415، ج 41:376؛ نووی، بی‌تا، ج 1:343؛ ذهی، 1417، ج 4:141؛ ابن کثیر، 1417، ج 9:115؛ مزی، 1413، ج 21:388؛ ابن حجر، 1328، ج 7:269). زهری از عالمان معاصر با امام بود و با وجود وابستگی به امویان و حتی با وجود کینه‌ای که بین امویان و شیعیان وجود داشت، با علاقه تمام از امام بهره گرفته و حضرت را با عبارات زیادی ستوده است.(ابن عساکر، 1415:84)

امام(ع) با فقهای معاصرش به بحث و گفتگوی علمی و فقهی می‌پرداختند. سلیمان بن عبدالله بن زراره حرمی از حمادبن زید و از برید بن حاذم نقل کرده که علی بن حسین و سلیمان بن یسار در مسجدالنبی به مذاکره و گفتگوی علمی و دینی می‌نشستند(کاتب واقدی، 1375، ج 5:332). سعید بن جبیر از جمله علمای آن عصر بود که امام سجّاد(ع) درباره وی به مسعود بن مالک گفت: سعید از جمله کسانی بود که درباره مسائل مختلف با هم به مذاکره و بحث می‌پرداختیم.(ممان)

یکی از راههای اثبات مرجعیت امام در وادی عمل، پاسخ به سؤالات دینی در حیطه علوم مختلف فقه، کلام، اخلاق، تاریخ و... است که از امام پرسیده‌اند. در این خصوص از افرادی همچون: عباد بصری، ثابت بن دینار، حکیم بن حمید، ابواسحاق، ابومالک، طاووس یمانی، منهل بن عمرو، زهری و سعید بن مسیب، در میان سؤال‌کنندگان از محضر امام نام برده‌اند. برای نمونه، زهری از امام درباره قرآن سؤال کرد. امام فرمودند: کتاب خدا و کلام خداست(ابن عساکر، 1371:87؛ ذهی، 1417، ج 4:393). در جای دیگر از بهترین اعمال سؤال کرد و امام وی را به قرائت قرآن توصیه فرمودند(کلینی، 1363، ج 2:685). سعید بن مسیب نیز سؤالاتی درباره تفسیر آیات قرآن(ممان:265؛ ابن بابویه، 1404، ج 2:500) از امام پرسیده که در منابع ثبت شده است.

برای اثبات مرجعیت علمی امام سجّاد(ع) نزد اهل سنت، همین بس که در میان راویان امام، علمای سرشناس اهل سنت نیز دیده می‌شوند؛ مانند زید بن أسلم، ابن شهاب زهري، سعید بن مسیب، یحیی بن سعید أنصاری، عاصم بن عمر ابن قنانه، حکم بن عتیبه، هشام بن عروه، مسلم البطين، ابوالزناد، عبدالله بن مسلم بن هرمز، ابوسلمه بن عبدالرحمان بن عوف، طاوس بن کيسان، عاصم بن عبدالله، قعقاع بن حکیم، حبیب ابن ابی ثابت، ابوالاسود محمد بن عبدالرحمان بن نوفل، علی بن زید بن جدعان و دیگران (ابن بابویه، 1404، ج 1: 53). به گزارش سبط بن جوزی عموم فقهای مدینه از امام سجّاد(ع) روایت نقل می‌کردند. (ابن جوزی، بی‌تا، ج 11: 286)

برای شناخت دقیق‌تر جایگاه علمی امام، مناسب است که از جایگاه علمی برخی شخصیت‌های اهل سنت که از علم امام(ع) بهره برده‌اند، سخن به میان بیاید.

1. محمد بن شهاب زهري، محدث و فقیه مورد اعتماد اهل سنت و به اعتقاد برخی، اولین تدوین‌کننده حدیث و از بزرگ‌ترین حافظان حدیث و فقه بوده است (ذهبی، 1417ق، ج 4: 445). در فهرست بهره‌وران علمی از امام سجّاد(ع) در میان اهل سنت، بی‌شک ابن شهاب زهري در صدر قرار دارد. از بین 105 منبعی که نویسنده کتاب مسند امام سجّاد(ع) بررسی کرده، زهري حدود 80 روایت از امام نقل کرده است (عطاردی، بی‌تا، ج 2: 451)؛ در حالی که از زید(فرزند امام) تنها 20 روایت در این کتابها ثبت شده است. (شرف قرشی، 1374: 453)

نمونه دیگری از بهره یافتن زهري از علم امام، در مسئله روزه است. زهري محضر حضرت رسیدند و ابراز داشتند که نظر خود و صحابه را جمع کردند و به این نتیجه رسیدند که روزه فریضه واجب نیست، مگر در ماه رمضان. حضرت در جواب زهري فرمودند: این طور نیست و اقسام آن را توضیح دادند. (بونعم اصفهانی، بی‌تا، ج 3: 148؛ ابن کثیر، 1417، ج 9: 132)

2. زید بن اسلم در مسجد رسول خدا(ص) حلقه تدریس داشت و محدثی مورد اعتماد اهل سنت و کثیرالحدیث بود (کاتب واهدی، 1375، ج 5: 91) و در زمان خود، از برترین فقها و مفسران قرآن در مدینه به شمار می‌رفت.

3. یحیی بن سعید، فقیه و محدث مورد اعتماد اهل سنت و کثیرالحدیث که سخنش را حجت می‌دانند. (همان، ج 5: 424)

4. سعید بن مسیب بن مخزوم، یکی دیگر از نامدارترین علمای زمان امام سجّاد(ع) و از فقهای هفت‌گانه مدینه است که در زمان حیات اصحاب رسول خدا نیز فتوا می‌داد (ابن جوزی، 1412، ج 8: 42). به روایت سعید بن مسیب، امام سجّاد(ع) هر جمعه در مسجد رسول خدا(ص) مردم را موعظه می‌کرد و به زهد در دنیا و ترغیب به آخرت سفارش می‌فرمود و مردم حفظ می‌کردند و می‌نوشتند (ابن شعبه حرانی، 1383: 249؛ کلبی، 1363، ج 8: 72؛ ابن بابویه، 1404: 513). مجالس موعظه و سخنرانی که هر جمعه در مسجد پیغمبر بر پا می‌شد، محفلی بود که همه مسلمانان از علم امام استفاده می‌کردند.

139 **جایگاه علمی و فقهی امام سجّاد(ع) از دیدگاه اهل سنت**

علمای اهل سنت گاه تحت تأثیر مواعظ و اندرزهای امام سجّاد قرار داشتند و به آنها عمل می‌کردند. زهری که به روایت کتاب مسند امام، 18 موعظه از امام نقل کرده است (عطاردی، بی‌تا، ج 2: 451)، خود نیز تحت تأثیر یکی از این مواعظ قرار گرفت (ر.ک: ابن عساکر، 1415، ج 41: 398). یکی دیگر از افرادی که رویکرد خود را با موعظه امام تغییر داد، حسن بصری (م. 111) است. وی عالمی بلندمرتبه، فقیه و زاهد بود (کاتب واقفی، 1375، ج 7: 115) که در ایام حج، تحت تأثیر اندرز امام، قصه‌گویی برای دیگران را ترک کرد (ر.ک: ابن خلکان، 1364، ج 2: 70) و از ارادتمندان امام شد. ابن شهر آشوب نیز می‌نویسد: کمتر کتابی درباره زهد و موعظه یافت می‌شود که در آن، روایات امام سجّاد(ع) ذکر نشده باشد. (ابن شهر آشوب، 1392، ج 4: 161)

شواهد پیش گفته بیانگر آن است که جایگاه امام سجّاد(ع) در میان اهل سنت، در حیطة نظر محدود نماند و ایشان از امام در حیطة عمل و در عرصه‌های مختلف بهره علمی برده‌اند.

دانش و علم امام سجّاد(ع) چیزی نبود که فقط دوستان و شیعیانش بدان معتقد باشند، بلکه منکران مقام ولایت و معاندان خاندان رسالت نیز گاه ناگزیر در برابر کمالات ایشان سر تعظیم فرود می‌آوردند؛ چنانکه عبدالملک بن مروان در پاسخ نامه امپراتور روم درماند و چاره را در آن دید که نظر امام سجّاد(ع) را درباره آن جويا شود و پاسخ آن حضرت را برای امپراتور روم بنویسد. (مقبوی، 1362، ج 2: 304)

بر اساس نظر شیعیان، آل محمد (ص) سرچشمه علم‌اند و علم امامان(ع) اکتسابی نیست. امام سجّاد(ع) این موضوع را که اهل بیت(ع) از علم لدنی برخوردارند، در صحیفه سجّادیه بیان کرده‌اند و این فراز از دعا در بعضی کتب اهل سنت، همچون کتاب قندوزی حنفی (قندوزی، بی‌تا، ج 3: 417) نقل شده است: «پروردگارا! تو این قرآن را بر رسول خود محمد، که درود خدا بر او و آتش باد، نازل فرمودی و علم لدنی به عجايب و اسرار آن به طریق وحی به او تعلیم فرمودی و ما را وارث علم تفسیرش قرار دادی و به تعلیم آن بر جاهلان فضیلت دادی و به ما قوت و نیروی رحمانی خاص بر فهم قرآن عطا کردی و روح قدسی ما را به تحمیل علوم قرآن بر دیگران که لایق‌اند؛ زیرا داشتن علم لدنی که از عنایات حضرت حق تعالی به آنان است، موجب برتری و ارجعیت ایشان نسبت به دیگران شده است.» (صحیفه سجّادیه، دعای 42)

2. **جایگاه فقهی امام سجّاد(ع)**

در عصری که فقهای زیادی به ویژه در شهر مدینه حضور داشتند، مقام فقهی و علمی امام سجّاد(ع) به حدی بارز و آشکار بود که ابن جوزی عنوان سیدالفقها را به آن حضرت داد و از قول بسیاری، نقل می‌کند: ما در میان فقیهان، داناتر و فقیه‌تر از امام سجّاد(ع) نیافتیم. (ابن جوزی، بی‌تا: 241)

این جایگاه فقهی به گونه‌ای بود که مسائل فقهی مطرح‌شده توسط امام(ع)، در منابع فقهی اهل سنت مانند صحاح سته و دیگر منابع حدیثی و فقهی معتبر آنان آمده است و تأکید این بخش بر کتاب صحاح سته، از این نظر است. از جمله: بخاری در ابواب حج، نماز جمعه، اعتکاف، تهجد، آزاد کردن برده و

140 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 82

غیره (بخاری، بی تا، ج 1: 435؛ ج 2: 24، 140، 451) و نیز مسلم در مباحث روزه، حج و فرائض، تهجد و سهم ذوی القربی، از امام سجّاد (ع) حدیث فقهی نقل کرده‌اند. (ابن زنجویه اصفهانی، 1427، ج 2: 53؛ مسلم نیشابوری، بی تا، ج 6: 85؛ ج 7: 218؛ ج 8: 154)

ابن ماجه در سنن حدیثی - فقهی خود، مسائلی را در باب ایمان، مسح بر جبائر، وضو، ارث، حج (وقوف در عرفات) از امام سجّاد (ع) نقل کرده است. (ابن ماجه، بی تا، ج 1: 26، 165، 215؛ ج 2: 912، 1001)

ابی داوود سجستانی در کتاب خود که از معتبرترین کتب سنن است، در خصوص مسائلی در باب تکبیر، باب مکروه بودن حضور در بین زنان، باب ارث نبردن کافر از مسلمان و سهم ذوی القربی (بوداود، 1410، ج 1: 192، 459، 28؛ ج 2: 8، 28) از امام سجّاد (ع)، حدیث بیان کرده است.

ترمذی، یکی دیگر از نگارندگان کتب سنن، در کتاب خود از امام سجّاد (ع) احادیثی درباره مسائلی در باب سوره‌هایی چون: سبأ و نحل و وجوه احرام (ترمذی، 1403، ج 5: 211؛ ج 4: 34) نقل کرده است. نسائی از دیگر مؤلفان کتب سنن، در اثر خود مسائلی را در باب ترک وضو، فضیلت روزه، وقت نماز، حج، نهی از خوردن شراب (نسائی، 1348، ج 1: 107؛ ج 4: 34؛ ج 5: 263، 274؛ ج 8: 302) به نقل از حضرت، ثبت کرده است.

علاوه بر صحاح سته، در کتب فقهی و حدیثی معتبر دیگر اهل سنت نیز مسائل فقهی از امام سجّاد (ع) نقل شده است؛ از جمله: «سنن کبری» بیهقی، «سنن دارالقطنی»، «الاشعریات» ابن اشعث، «مالی» احمدبن عیسی، «معجم کبیر» طبرانی، «المسند» الحمیدی، «مسند» احمد بن حنبل، «تاریخ جرجان» سهمی و...؛ که روایان مورد وثوق اهل سنت درباره این مسائل، روایاتی فقهی از طریق امام سجّاد (ع) نقل کرده‌اند.

همچنین درباره مسائلی دیگر از قبیل چگونگی شروع نماز و شکسته خواندن نماز در سفر (مالک، 1406، ج 1: 76، 145)، آداب حمام (حاکم نیشابوری، 1420، ج 3: 73)، انواع غسل (احمد بن عیسی، 1410، ج 1: 34، 48، 50)، احتضار، از جمله احتضار پیامبر (ص) (کاتب واقدی، 1375، ج 2: 278؛ بیهقی، بی تا، ج 7: 156) و چگونگی کفن کردن آن بزرگوار (یهقی، بی تا، ج 3: 400) و دفن آن حضرت (حاکم نیشابوری، 1420، ج 3: 342) و دفن حضرت فاطمه (س) (کاتب واقدی، 1375، ج 8: 30) احادیثی از طریق امام سجّاد (ع) نقل شده است.

درباره مرگ شخص مؤمن، آماده کردن سریع میت برای غسل دادن (ابن اشعث، بی تا: 192، 201، 204، 207، 236؛ ابن ابی شیبه، 1409، ج 3: 285)، در باب حمل و آداب تشییع جنازه (ابن اشعث، بی تا: 201، 204، 207)، حنوط و دفن میت و احکام مربوط به دفن (ترمذی، 1403، ج 1: 438)، باب کسی که بر میت نماز می‌خواند (همان، ج 3: 194)، مکان خواننده شدن نماز بر میت (کاتب واقدی، 1375، ج 3: 207؛ ابن اشعث، بی تا: 201، 206، 209)، باب تکبیر بر جنازه (کاتب واقدی، 1375، ج 3: 368؛ ترمذی، 1403، ج 1: 439)، صبر بر مرگ نزدیکان، باب گریه بر میت، ذم آه و ناله در مصیبت، درست کردن غذا برای خانواده مصیبت‌زده (ابن اشعث، بی تا: 210-206، 214، 234)، کیفیت نماز مریض (ذهبی، 1963، ج 1: 485-

141 **جایگاه علمی و فقهی امام سجّاد(ع) از دیدگاه اهل سنّت**

484)، باب تعزیت مصائب (بیعتی، بی تا، ج 4: 60) و زیارت اهل قبور (همان: 78؛ حاکم نیشابوری، 1420، ج 4: 28) از طریق امام سجّاد(ع) حدیث فقهی نقل شده است.

نقل این سلسله از احادیث امام سجّاد(ع) در کتب فقهی معتبر اهل سنّت، مؤید آن است که آن بزرگوار یکی از طرق حدیثی عصر خود است و در این زمینه، مقام علمی و فقهی آنچنان بارزی دارد که علما و فقها و محدّثین عصرش، وی را ثقه و مورد اعتماد در مسائل دینی خود می‌شناسند.

جایگاه علمی و فقهی امام سجّاد(ع) مورد ستایش علما و متون اهل سنّت است، که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

ابوحازم مدنی می‌گوید: «هاشمی فقیه‌تر از علی بن حسین ندیدم» (بونعیم اصفهانی، بی تا، ج 3: 141؛ ذهی، 1417، ج 4: 394). یحیی بن سعید از فقهای بنام مدینه درباره حضرت می‌گوید: «فاضل‌ترین هاشمی که در مدینه دیدم، او بود» (بخاری، بی تا، ج 6: 208؛ ابوحاتم رازی، 1372، ج 6: 187).

ابن شهاب زهری که یکی از شاگردان حضرت بود، در مقاطع گوناگون از حضرت به بزرگی یاد کرده است؛ از جمله: «از اهل بیت، کسی را فاضل‌تر از علی بن حسین درک نکردم» (ذهی، 1998، ج 2: 37؛ ابن حجر، 1328، ج 7: 269) و «بیشترین مجالستم با علی بن حسین بود که از وی فقیه‌تر ندیدم» (ابن عساکر، 1415: 27؛ ذهی، 1417، ج 4: 139) و «هیچ شخصیت قرشی را برتر از علی بن حسین ندیدم» (دمیری، 1374، ج 1: 127). ستایش فقهی زهری از امام، بعد از نقل اینکه بیشترین همنشینی را با ایشان داشته، نشان می‌دهد این مجالست، تنها تحت تأثیر اخلاق، تقوا و زهد حضرت نبوده و ابن شهاب در این همراهی، از امام بهره فقهی نیز می‌برده و از شاگردان حضرت در فقه و حدیث بوده است.

ابوبکر بن برقی می‌گوید: «امام، افضل اهل زمانش به علم و تقوا و طاعت در راه خدا بود و احدی در زمانش مانند او در کمال و علو ذات نبود» (همان: 309؛ مزی، 1413: 240).

ابن تیمیه حرانی نیز می‌نویسد: علی بن حسین هرچه از حدیث جدشان روایت کنند، نزد اهل سنّت مورد قبول است و ایشان ثقه و مورد اطمینان‌اند. (ابن تیمیه حرانی، 1486، ج 4: 124)

این همان معنای مرجعیتی است که انتظار می‌رود اهل سنّت به آن در قبال امام سجّاد(ع) اعتقاد داشته باشند. بنابر این، شاگردی علمای اهل سنّت در محضر امام و سند بودن سخن امام نزد آنان، از شاخصه‌های بارز مرجعیت علمی امام سجّاد(ع) است. یکی از مهم‌ترین شواهد مرجعیت علمی امام سجّاد(ع) در بین اهل سنّت، اعتبار سند روایتی است که از امام نقل شده باشد؛ تا جایی که برخی از علمای اهل سنّت، چنین سندی را صحیح‌ترین و بهترین سندها دانسته‌اند (ابن عساکر، 1415، ج 4: 376). برای مثال، نسائی یکی از صاحبان

صحاح اهل سنت می‌گوید: بهترین سندهای زهری از علی بن حسین است از پدرش از جدش از رسول (ص)، (ابن کثیر، 1417، ج 9: 342)

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

حاکمیت سیاسی دستگاه خلافت اموی همواره بر اساس دور ساختن جامعه از ارزشهای عصر نبوی و ارائه قرائتی از اسلام بر اساس دیدگاهها و باورها و ارزشهای خود استوار بوده و می‌کوشیده تا مانع رجوع آحاد جامعه به اهل بیت شود و مردم را از جایگاه علمی و فقهی آنان محروم و دور سازد. با این وجود، چنین سیاستی به سبب مواضع و رویکرد امام سجّاد(ع) محقق نشد؛ زیرا ایشان با کناره‌گیری از هرگونه فعالیت انقلابی و مسلحانه یا حمایت از آنها، حساسیت خلفا را نسبت به خود کاهش دادند تا هیچ‌گونه تهدیدی از جانب آنان احساس نکنند. این سیاست مدبّرانه که عمدتاً با ابزار تقیه صورت می‌گرفت، زمینه مناسبی را برای همگرایی جامعه و مذهب غالب آن عصر با ایشان فراهم می‌ساخت. همچنین رویکرد کاملاً معنوی، اخلاقی و عرفانی امام در حیات اجتماعی خود، بر فراهم‌سازی چنین بستری مؤثر بود. چنین مواضعی می‌توانست قاطبه اهل سنت و حتی علما و بزرگان حامی نظام مستقر اموی را هم از رفتارهای واگرایانه نسبت به ایشان به رفتارهای همگرایانه تغییر جهت دهد؛ به گونه‌ای که خود را بی‌نیاز از ارتباط با ایشان و استفاده از محضر علمی او ندانند.

ابعاد عرفانی و اخلاقی امام سجّاد(ع) و مناجاتهای او که گوشه‌هایی از آن در صحیفه سجّادیه گردآوری شده، مقام علمی و روایی ایشان، علما و بزرگان اهل سنت را واداشته تا به مرجعیت علمی و فقهی ایشان اذعان کنند و بالاتر از آن، بسیاری از آنان را به تلمذ در محضر خود بکشاند. توصیفات بسیاری از شاگردان، محدثان، راویان و صاحبان کتب صحاح و مسانید از وثاقت و اعتبار، مقام فقاقت، عبادت، اخلاص، زهد و... امام سجّاد(ع) نشان از علاقه‌مندی آنان به بهره‌وری از اهل بیت بر اساس توصیه رسول خدا(ص) دارد، که عترت و اهل بیت خود را تالی قرآن برای رهپویان هدایت می‌دانستند. مصلحت‌اندیشی مسئولانه امام(ع) در عدم تقابل با اندیشه‌ها و باورهای دینی و سیاسی اهل سنت و در حقیقت؛ اتخاذ سیاست تقیه، تبلیغ غیر مستقیم و مستقیم دین، پرهیز از حمایت مستقیم از جریانهای رادیکال و انقلابی شیعی و تغییر این مبارزه از عملگرایی محض به واقع‌گرایی و مبارزه سیاسی به مبارزه فرهنگی در قالب دعا و مناجات، تمرکز بر تربیت شاگردان از بزرگان عامه، شرکت در مجالس علمی، وعظ و خطابت، مشاوره و مذاکره علمی با نخبگان، از جمله عواملی بود که مقدمه‌ساز مطرح شدن خاندان پیامبر(ص) و ارتقای مرجعیت ایشان را در میان عموم جامعه اسلامی، به ویژه از سوی اهل سنت، نه تنها در آن عصر، بلکه در عهد امامین صادقین(ع) فراهم ساخت.

پیشنهادها

در پایان به سبب زوایای مختلف عملکرد علمی و فرهنگی و سیاسی ائمه هدی(ع) و نقش آنان در هدایت فکری و معنوی جامعه، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران با توجه به شرایط خاص عصر حاضر و تلاش گروه‌های سلفی و معاند برای ترسیم چهره‌ای نادرست از شیعه و باورهای آن، به تبیین مرجعیت علمی ائمه(ع) از دیدگاه علمای اهل سنّت متقدم و معاصر و نیز نقش وحدت‌آفرین ائمه هدی(ع) در جامعه، شیوه‌های تعامل ائمه(ع) با مذاهب اعتقادی و کلامی که این زمینه‌ها کمتر مورد توجه و عنایت قرار گرفته، پردازند.

پیشنهاد می‌شود در دانشگاهها، کلاسهای درس و گردهمایی‌ها به مناسبت گرامیداشت اهل بیت پیامبر(ص) و شخصیت علمی ائمه(ع) برای دانشجویان تبیین و تفهیم شود تا الگوهایی مناسب برای پیشرفت علمی به دانشجویان معرفی شود و استادان دانشگاهها از شیوه‌های تعلیمی ائمه(ع) و برخورد آنان با مخاطبان خویش، برای ارتقا و بهبود تعلیم و تربیت استفاده کنند.

با توجه به پژوهش انجام شده، پیشنهادهای ذیل برای تحقیقات آتی ارائه می‌شود:

1. توجه به رجوع به اهل بیت در مسائل دینی و سیاسی و نقش وحدت‌آفرینی آنان.
2. نقش سازنده محبت و ولایت اهل بیت پیامبر(ص) در تمدن‌سازی.
3. شیوه‌های تعامل امام سجّاد(ع) با اهل سنّت در زمینه‌های مختلف علمی و مذهبی.
4. مؤلفه‌های سیاست‌ورزی در سیره امام سجّاد(ع) در تقابل با خلفای اموی.



منابع

- قرآن کریم.
- صحیفه سجّادیه. ترجمه حسین انصاریان (1376). تهران: پیام آزادی.
- ابن ابی شیبّه الکوفی العبسی، حافظ عبدالله بن محمد (1409 ق.). المصنف فی الاحادیث و الاثار. تحقیق سعید اللحام. بیروت: دارالفکر للطباعه و للنشر.
- ابن اشعث کوفی، ابوعلی محمد (بی تا). الجعفریات (الاشعثیات). تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین (1404 ق.). عیون اخبار الرضا (ع). تهران: مؤسسه اعلمی.
- ابن تیمیه حرانی، احمد (1486 ق.). منهاج السنه النبویه. تحقیق دکتر محمد رشاد سالم. اداره الثقافه و النشر بالجامعه، الامام محمد بن سعود الاسلامیه.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی بن محمد (1412 ق.). المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم. تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن جوزی، سبط (بی تا). تذکره الخواص. نجف: المطبعه العلمیه.
- ابوحاتم رازی، احمد بن حمدان (1372 ق.). الجرح و التعديل. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن حجر عسقلانی، شهابالدین بن حجر (1328 ق.). الاصابه فی تمییز الصحابه. بیروت: داراحیاء لترات العربی.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (بی تا). المسند. بیروت: دار صار.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (1364). وفيات الاعیان و أبناء الزمان. محقق: عباس احسان. قم: الشریف الرضی.
- ابن زنجویه اصفهانی، ابوبکر احمد بن علی (1427 ق.). رجال صحیح مسلم. تحقیق محمدحسن اسماعیل و احمد فرید المزیدی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن شعبه حرانی، ابو محمد الحسن بن علی (1383). تحف العقول. ترجمه بدر شاهین. قم: انصاریان.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (1392). مناقب. تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن عساکر، علی بن حسن (1415 ق.). تاریخ مدینه دمشق. بیروت: دارالفکر.
- ابن عساکر، علی بن حسن (1371). ترجمه امام علی بن الحسین زین العابدین (ع) و ابنه الامام محمد باقر من تاریخ مدینه دمشق. محمدباقر محمودی. تهران: وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (1417 ق.). البدایه و النهایه. بیروت: دارالفکر.
- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی (بی تا). سنن ابن ماجه. محمد فؤاد عبدالباقی. دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (1414 ق.). لسان العرب. بیروت: دار صادر، ج سوم.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (1410 ق.). سنن ابی داود. سید محمد اللحام. دارالفکر لطباعه و النشر.
- ابوزهره، محمد (1425 ق.). الامام الصادق، حیاته و عصره آراؤه و فقهه. قاهره: دارا لفکر العربی.

145 **◆ جایگاه علمی و فقهی امام سجّاد(ع) از دیدگاه اهل سنّت**

- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (بی تا). حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء. سعید بن سعدالدین خلیل الاسکندرانی. [بی جا]: دارالحیاء التراث العربی.
- احمد بن عیسی (1410 ق). امالی. گردآورنده محمد بن منصور مرادی. قم: دارالحدیث.
- اربلی، علی بن عیسی بن ابی الفتح (1421 ق). کشف الغمه فی معرفه الائمه (ع). قم: رضی.
- امینی، نوروز (1387). «روایات اهل بیت (ع) در منابع اهل سنّت». علوم حدیث، سال سیزدهم، ش 47: 146-184.
- انوری، حسن و همکاران (1393). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- بُستی، ابوحاتم محمد بن حبان (1413 ق). الثقات. بیروت: دارالفکر.
- بخاری، ابی عبدالله عمر بن اسماعیل (بی تا). صحیح. عبدالعلی نور احقراری. انتشارات احمد جام.
- بیهقی، احمد بن حسین (بی تا)، سنن کبری. بیروت: دارالفکر.
- ترابی، احمد (1374). امام سجّاد(ع)، جمال نیایشگران. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- ترمذی، محمد بن عیسی (1403 ق). سنن ترمذی. عبدالوهاب عبداللطیف. دارالفکر، بی جا: الطباعة و النشر.
- تسخیری، محمدعلی (1422 ق). وحدت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل بیت (ع). ترجمه جلال میرآقایی. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (1420 ق). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دارالمعرفه.
- خاتمی، احمد (1378). فرهنگ علم کلام. تهران: صبا.
- خلیفه بن خیاط، ابی عمرو (1414 ق). طبقات. تحقیق دکتر سهیل ذکار. [بی جا]: دارالفکر.
- دارالقطنی، علی بن عمر (1417 ق). سنن دارالقطنی. مجدی بن منصور بن سید الشوری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دمیری، محمد بن موسی (1374 ق). حیاة الحیوان. قاهره: مطبعه الاستقامه.
- دهخدا، علی اکبر (1377). لغتنامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران، چ دوم.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (1998 م). المعین فی طبقات المحدثین. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (1417 ق). سیر اعلام النبلاء. بیروت: دارالفکر.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (1963 م). میزان الاعتدال فی نقد الرجال. قاهره: الخانجی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1412 ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالعلم.
- سجّادی، سید جعفر (1373). فرهنگ معارف اسلامی. تهران: دانشگاه تهران، چ سوم.
- سلیمان البنداری، عبدالغفار (1413 ق). معجم رجال الکتب التسعه، سید حسن کسروی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سیوطی، جلال الدین (بی تا). اسعاف المبطأ برجال الموطأ. تحقیق موفق فوزی جبر. [بی جا]: دارالهجره.
- شریف قرشی، باقر (1374). «تحلیلی از زندگانی امام سجّاد(ع)». ترجمه محمدرضا عطایی. مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا(ع).

- شریف قرشی، باقر (1340). موسوعة سيرة اهل البيت. تحقيق مهدى باقر القرشى. قم: دارالمعروف.
- شلتوت، محمود (1405 ق). تفسير القرآن الكريم. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (1413 ق). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (بی تا). الارشاد فی معرفه حج الله علی العباد. ترجمه سید هاشم محلاتی. تهران: علمیه اسلامی، ج دوم.
- صفی زاده، فاروق (1387). امامان شیعه به روایت اهل سنت. تهران: مدحت.
- طبری، محمد بن جریر (1362). تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب ابوالقاسم (1994 م). المعجم الکبیر. قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
- طبسی، محمد محسن (1382). «امام سجّاد (ع) از دیدگاه اهل سنت». فرهنگ کوثر، ش 58: 171-162.
- عاملی، جعفر مرتضی (1409 ق). دراسات و بحوث فی التاریخ والاسلام. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عطاردی، عزیزالله (بی تا). مسند الامام السجّاد ابي محمد علی بن الحسین (ع). تهران: عطارد.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (بی تا). ینایع الموده و ذوی القربی، سید علی جمال اشرف حسینی. دارالاسوه الطباعه و النشر.
- کاتب واقدی، محمد بن سعد (1375). الطبقات الکبری. محمود مهدوی دامغانی. تهران: فرهنگ و اندیشه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (1363). اصول کافی. ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مالک، مالک بن انس (1406 ق)، الموطأ. محمدفؤاد عبدالباقی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مزی، جمال الدین ابوالحجاج یوسف (1413 ق). تهذیب الکمال فی اسماء الرجال. تحقیق دکتر بشار عواء. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مشکور، محمدجواد (1372). فرهنگ فرق اسلامی. مشهد: آستان قدس رضوی، ج دوم.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (1409 ق). مروج الذهب و معادن الجوهر. بیروت: دارالاندلس.
- مسلم قشیری نیشابوری، محمد بن مسلم بن الحجاج (بی تا). صحیح مسلم. بیروت: دارالفکر.
- نسائی، ابوعبدالرحمن احمد بن شعیب (1348 ق). سنن نسائی. بیروت: دارالفکر.
- نووی، محی الدین بن شرف (بی تا). تهذیب الاسماء و اللغات. مصر: اداره الطباعة المنبریه.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (1362). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.
- یمانی، محمد عبده (1412 ق). علموا اولادکم حب آل بیت النبی (ص). دمشق: مؤسسه علوم القرآن.
- **The Holy Quran.**
- **Sahifeh Sajjadieh.** Translation of Hossein Ansarian (1997). Tehran: Message of Freedom.
- Abu Dawood Sjestani, Suleiman Bin Ash'ath (1410 AH). **Senan Abi Dawood.** Seyyed Mohammad Allaham, Dar al-Fakr Latibah and Al-Nashr.

- Abu Hatam Razi, Ahmad ibn Hamdan (1372 AH). **Al-Jahr and al-Addiyil**. Beirut: Darahi'a al-'tar alArabi.
- Abu Naim Isfahani, Ahmad ibn Abdullah (Bita). **Halayah al-Awlia and the Classes of Al-Asfiya**. Sa'id bin Sa'd al-Din Khalil Aleksandrani. Bid: Dar al-Haya al-tar al-Arabi.
- Abu Zohreh, Muhammad (1425 AH). **Alamam al-Sadeq**. Hayatat and Ayear Arah and jurisprudence, Cairo: Dara Lefkraler Bi.
- Ahamd ibn Isa (1410 AH). **Amali**. Collector Mohammad bin Mansour Moradi, Qom: Dar al-Hadith
- Ameli, Ja'far Morteza (1409 AH). **In Verse in the History of Quran**. Qom: Al-Nasr al-Islami institute.
- Amini, Nowrouz (2008). "**The Traditions of Ahlulbayt (as) in the Resources of the People**". *Hadith Sciences*, Thirteenth, 47: 146-184.
- Anwari, Hassan & et al. (2014). **The Great Culture of Sokhan**. Tehran: Speech.
- Atarody, Aziz Allah (Bita). **Mussand al-Amam al-Sajjad Aby Mohammad Ali bin al-Hussein (peace be upon him)**. Tehran: Mercury.
- Beyhaghi, Ahmad ibn Husayn (Bita). **Sanne Kobra**. Beirut: Dar al-Fakr.
- Bosti, Abu Hatam Mohammed ibn Hayban (1413 AH). **Al-Thaqat**. Beirut: Dar al-Fakr.
- Bukhari, Abdi Abdullah Omar ibn Isma'il (Bita). **Sahih**. Abdolali Nooraharari, Shaykh al-Islam Ahmed Jam.
- Darulakhtani, Ali ibn Umar (1417 AH). **Sunni Al-Qatni**, Majdi ibn Mansoor bin Sayyid al-Shurry, Beirut-Lebanon: Dar al-Kotb al-Ummah
- Dehkhoda, Ali Akbar (1998). **Dehkhoda Dictionary**. Tehran: Tehran University, Q 2.
- Demiry, Mohammed b. Musa (1374 AH). **Hayyat al-Haywan**. Cairo: Mubayat al-Wattakam.
- Hakem NishaBori, Muhammad ibn Abdullah (1420 AH). **Al-Mustadrak Ali-al-Sahihin**. Beirut: Dar Al-Mafarah.
- Ibn Abi Shayba al-Kafi al-Abbasi, Hafez Abdullah ibn Muhammad (1409 BC). **Al-Mansf al-Fayyad alAdhaith and Allah**. Research by Saeed Al-Laham, Beirut-Lebanon: Dar al-Fakr al-'Abba'i and Lönşar.
- Ibn Assakar, Ali ibn Hasan (1415 AH). **History of the Medina of Damascus**. Beirut: Dar al-Fakr.
- Ibn Assakar, Ali ibn Hasan (1992). **Translation of Imam Ali ibn al-Hussein Zain al-Abedin (AS) and Abne Alamam Muhammad Baqir I The History of Medina of Damascus**. Mohammad Baqer Mahmoudi. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Ibn Babawayi (Sheikh Sadukh), Muhammad bin Ali ibn Husain (1404 AH). **Ayoun al-Reza (AS)**. Tehran: Alaami Institute.

- Ibn Hajar Asqalani, Shahab al-Din bin Hajar (1328 AH). **Al-Ababah fi Tamyiz al-Sahabah**. Beirut: Darahia al-Lotra' al-Arabi.
- Ibn Hanbal, Ahmad ibn Muhammad (Bita). **Al Masand**. Beirut: Dasar.
- Ibn Juozi, Abul Faraji Abdul Rahman ibn Ali ibn Muhammad (1412 AH). **Al-Mentzam fi Ajd al-Muluk and al-Amm**. Research by Mohammed Abdul Qader Atta and Mostafa Abdul Qader Atta. Beirut: Dar al-Kabul al-Ammia.
- Ibn Jouzi, Sabet (Bita). **Tazkere al-Khawwas**. Najaf: Al-Muttah al-Waliya.
- Ibn Kathir Damshahi, Abolfatha Ismail ibn Umar (1417 AH). **Al-Badayeh and al-Nahiya**. Beirut: Dar al-Fakr.
- Ibn Khalkan, Ahmad ibn Muhammad (1985). **Wafiat Alayan and Abbas al-Zaman**. Researcher: Abbas Ehsan, Qom: Al-Sharif al-Razi.
- Ibn Majeh, Mohammad bin Yazid Qazvini (Bita). **Sana ibn Magh**. Muhammad Fuud Abdul Baghchi: Daral Fakr.
- Ibn al-Ashati Kofi, Abu Ali Muhammad (Bita). **Al-Ja'friyat (al-Tashiyat)**. Tehran: Ninavi al-Haditha school.
- Ibn Shahr Ashhoob, Mohammad bin Ali (2013). **Manabib**. Tehran: Scientific and Cultural Company.
- Ibn Shuba Harari, Abu Muhammad Al-Hasan ibn Ali (2004). **Takf Alqul**. Translator Badr Shahin. Qom: Ansariyan.
- Ibn Taymiyyah Harani, Ahmed (1486 AH). **Manhaj al-Snah al-Nunbouyeh**. Research by Dr Mohammad Rashad Salem, Office of Al-Saqafa and Al-Nashr.
- Ibn Zanjevi Isfahani, Abu Bakr Ahmad ibn Ali (1427 AH). **Rijal Sahih Muslim**. Research by Mohammad Hasan Ismail and Ahmad Farid Al-Mozzidi, Beirut: Daralcb al-Ma'mieh.
- Ibn Manzor, Muhammad ibn Makram (1414 AH). **Lassan al-Arab**. Beirut: Released, Qthird.
- Irbily, Ali ibn Isa ibn Abi al-Fatih (1421 AH). **Kashf al-Ghmay fe Refference of theImam Ali**. Qom: Razi.
- Jacoby, Ahmad bin Ishaq (1983). **History of Yaghoubi**. Translation by Mohammad Ibrahim Ayati. Tehran: Scientific and Cultural.
- Kateb Veddi, Mohammad bin Sa'ad (1996). **Al-Tabbakht al-Kabiri**. Mahmoud Mahdavi Damghani. Tehran: Culture and Andisheh Publications.
- Khalifa bin Khayyat, Aby Amr (1414 AH). **Classes**. Research by Dr. Soheil Zakar. Bid: Daral Fakr.
- Khatami, Ahmad (1999). **Culture of Theology**. Tehran: Saba.
- Kollini, Mohammed ibn Ya'qub (1363). **Sufficient Principles (Osul Kafi)**. Translated by Seyyed Hashem Rasouli Mahallati. Tehran: Dar al-Kabul El-Islamiyah.

- Kunduzi Hanafi, Suleiman ibn Ibrahim (Bita). **Yinabi al-Mudeh and Zvayy al-Qarabi**. Seyyed Ali Jamal Ashraf Hosseini. Darel Souh al-Tabaa and Al-Nashar.
- Malik, Malik Ben Anas (1406 AH). **al-Mutafa**. Mohammad Fouad Abdul Baghi, Beirut-Lebanon: Dar al-'Arta Al-Arabi.
- Mashkour, Mohammad Javad (1993). **Islamic Cultures Culture**. Mashhad: Astan Quds Razavi, Q Second.
- Masoudi, Abolhassan Ali ibn Husayn (1409 AH). **Promoter of Al-Zahab and al-Jawhar mines**. Beirut: Dar al-Andels.
- Mazi, Jamal al-Din Abul Hajjaj Youssef (1413 AH). **Tahzib al-Maliki fi asma al-rjal**. Dr. Bashar al-Awa's research, Beirut-Lebanon: Al-Reylah Institute.
- Muslim Ghashiri Nishapuri, Mohammad bin Musalem bin al-Hajjaj (Bita). **Sahih Muslim**. Beirut: Dar al-Fakr.
- Nasa'i, Abu'Abd al-Rahman Ahmad ibn Shoaib (1348 AH). **Sanne Nasai**. Beirut-Lebanon: Daral-Fakr.
- Novi, Mohiyeddin bin Sharaf (Bita). **Tekzib alasma and al-Lahat**. Egypt: Office of the Press.
- Raghīb Isfahani, Hussein ibn Muhammad (1412 AH). **Mofradat al-Aq al-Quran**. Beirut: Dar al-Alam.
- Safi Zadeh, Farooq (2008). **Shiite Imams According to Ahlulent**. Tehran: Medhat.
- Sajjadi, Seyyed Ja'far (1994). **Islamic Culture**. Tehran: Tehran University, Q third.
- Shaltut, Mahmoud (1405 AH). **Qur'an al-Karim commentary**. Tehran: World Assembly of Islamic Approaches.
- Sharif Gharishi, Bagher (1995). "An Analysis of the Life of Imam Sajjad (as)". Translated by: Mohammad Reza Ataei. Mashhad: World Congress of Imam Reza (AS).
- Sharif Gharishi, Bagher (1340). **Musuleh Sira Ahl al-Bayt (AS)**. Research by Mehdi Bagher al-Qurashi. Qom: Daralmayarf.
- Sheikh Mofid, Muhammad ibn Muhammad ibn Numan (1413 AH). **Al-Ershad Fi Recipient Hajjullah Ali al-Abad**. Qom: Sheikh Mufid Congress.
- Sheikh Mofid, Muhammad ibn Muhammad ibn Numan (bita). **Al-Ershad al-Fayyat Hajjullah Ali al-Abad**. Translated by Seyyed Hashem Mahallati. Tehran: Salmaieh Islamiyah Publication, Q Second.
- Siouti, Jalal al-Din (Bita). **Esaf al-Mūṭā Bahā'lāl alūūtā**. The Successful Research of Fawzi al-Riyab. Unfounded: Dara Leljārra.
- Suleiman al-Bondari, Abdul Ghaffar (1413 AH). **Mojtaba Rijal al-Katzā**. Sayyed Hasan Kasrovi, Beirut: Dar al-Kabul al-Ma'mieh.
- Tabari, Mohammad bin Jarir (1983). **Tabari Date**. Translation by Abū Labhasem Pandian. Tehran: Nasareh.

- Tabasi, Mohammad Mohsen (2003). "**Imam Sajjad (as) from the Perspective of the People**". *Kowsar Culture*, 58: 162-171.
- Tabrani, Suleiman ibn Ahmad ibn Ayub Abulqasem (1994). **Al-Mu'ali al-Kabir**. Cairo: Ibn Taymiyyah School.
- Tarmadi, Muhammad b. Isa (1403 AH). **Sonan Tarmety**. Abdul Wahhab Abdullatif, Dar al-Fakr, Bid: Al-Taba'a and Al-Nashr.
- Taskhiri, Mohammad Ali (1422 AH). **Islamic Unity Based on the Scientific Authority of Ahlulbayt (as)**. Translated by Jalal Mir-Ahayi. Tehran: World Assembly of Islamic Approaches.
- Torabi, Ahmad (1995). **Imam Sajjad Ali (as) Jamal of the Prayers**. Mashhad: Islamic Research Foundation.
- Yamani, Mohammed Abduh (1412 AH). **Almwa'uladkam Hub al-Beit Al-Nabi**.
- Zahabi, Shamsuddin Mohammed ibn Ahmad (1998). **Al-Ma'in Fifa al-Muhaddin**. Beirut: Dar al-Kabul Al-Ma'mieh.
- Zahabi, Shamsuddin Mohammed ibn Ahmad (1963). **Al-Qadal al-Qadr al-Jadal**, Cairo: Al-Khanji.
- Zahabi, Shamsuddin Mohammed ibn Ahmad (1417 AH). **Sierra Al-Nublah**. Beirut: Daral-Fakr.

